

انتقال یافته است. در مواردی که سهام عادی دریافت شده باشد، مبادله را نمی‌توان با قطعیت خرید محسوب کرد، زیرا تملک صاحبان شرکت تحصیل شده به نحوی دیگر ادامه می‌یابد. بنابراین صرف نظر از شکل ترکیب، لازم است تعیین شود که آیا محتوای ترکیب واحدهای انتفاعی خرید خالص دارایی‌هاست یا اتحاد سرمایه‌گذاری‌ها بدون تغییر مالکیت محسوب می‌شود. چگونگی پاسخ به این سوال، حسابداری ترکیب واحدهای انتفاعی را مشخص می‌کند.

### حسابداری ترکیب واحدهای انتفاعی

برای حسابداری ترکیب واحدهای انتفاعی، دو روش پذیرفته شده وجود دارد که روش‌های خرید (ع) و اتحاد منافع (و) نامیده می‌شود.

در روش خرید، صورتهای مالی واحدهای ترکیبی مشابه وضعیت است که خالص دارایی‌های واحد دیگر بطور یکجا خریداری شده باشد. در این روش خالص دارایی‌های شرکت تحصیل شده بر مبنای ارزش‌های متعارف در دفاتر شرکت تحصیل کننده منعکس می‌شود.

در روش اتحاد منافع، صورتهای مالی شرکت اصلی با این فرض تهیه می‌شود که شرکت‌های ترکیب شونده از ابتدای تاسیس، به صورت یک شخصیت یگانه فعالیت می‌کرده‌اند. به این ترتیب، ارزش خالص دارایی‌های شرکت تحصیل شده همان ارزش دفتری خواهد بود.

نظر به اینکه روش‌های خرید و اتحاد منافع موجب لحاظ کردن ارزش‌های متفاوت خالص دارایی‌ها هنگام ترکیب واحدهای انتفاعی است، صورتهای سود و زیان مبتنی بر هر یک از این دو روش با یکدیگر تفاوت خواهد داشت. از آنجاکه ارزش‌های متعارف معمولاً بیش از ارزش‌های تاریخی است، روش خرید موجب گزارش سود خالص کمتری، در مقایسه با روش اتحاد منافع، در دوره‌های مالی بعد می‌شود. مبنای این تفاوت به دلیل محاسبه هزینه استهلاک با ارزش‌های متعارف در روش خرید است.

### ضوابط بکارگیری روش اتحاد منافع

در استانداردهای حسابداری بکارگیری روش اتحاد منافع منوط به احراز تمامی دوازده شرط زیر شده است:

- ۱- هر یک از شرکت‌های ترکیب شونده باید دو سال قبل از تهیه طرح ترکیب مستقل باشند.
- ۲- در تاریخ تهیه و شروع طرح ترکیب واحدهای انتفاعی، هیچ یک از شرکت‌های ترکیب شونده نمی‌تواند بیش از ۱۰٪ سهام عادی دارای حق رای

### انگیزه‌های اقتصادی

تصمیم‌گیری درباره ترکیب واحدهای انتفاعی در واقع نوعی تصمیم‌گیری در مورد بودجه بندی مخارج سرمایه‌ای است. در بودجه بندی مخارج سرمایه‌ای بر اساس ضابطه خالص ارزش فعلی، ماشین‌آلات تولیدی یا مجموعه‌ای از دارایی‌ها در صورتی خریداری خواهند شد که ارزشی مازاد بر قیمت خرید آنها برای واحد انتفاعی ایجاد شود.

در ترکیب واحدهای انتفاعی به شکل تحصیل سهام عادی سایر واحدها، دارایی‌های خالص آن واحد تحت کنترل واحد خریدار قرار می‌گیرد (۲). به این ترتیب، انگیزه ترکیب واحدهای انتفاعی، مانند تحصیل ماشین‌آلات تولیدی،

افزودن ارزش به واحدهای انتفاعی است. در صورتی ترکیب واحدهای انتفاعی باعث افزایش ارزش می‌گردد که قیمت پرداختی معقول و مناسب باشد و پدیده هم افزایی (۳) نیز وجود داشته باشد.

### مکانیسم ترکیب واحدهای انتفاعی

ترکیب واحدهای انتفاعی معمولاً از طریق مبادله وجه نقد یا سهام عادی یا مبادله سهام عادی یک شرکت با سهام عادی شرکتی دیگر انجام می‌پذیرد که «تحصیل سهام» نامیده می‌شود. ویژگی «تحصیل سهام» این است که واحدهای انتفاعی ترکیب شونده شخصیت حقوقی خود را حفظ می‌کنند. بنابر این در مبادلات تحصیل سهام، مباحث مختلف حسابداری از جمله چگونگی تهیه صورتهای مالی تلفیقی مطرح می‌گردد.

در حالتی دیگر ممکن است شرکت تحصیل شده، خالص دارایی‌های خود را به شرکت تحصیل کننده واگذار و به حیات خود خاتمه دهد که در این صورت، اصطلاح ادغام مورد استفاده قرار می‌گیرد. به این دلیل، تنها یک سیستم حسابداری وجود خواهد داشت و صورتهای مالی برای شخصیت حقوقی باقی مانده تهیه می‌شود.

در حالتی دیگر ممکن است شرکت‌های ترکیب شونده شرکت جدیدی بوجود آورند. در این صورت، شرکت‌های ترکیب شونده منحل می‌شوند و شرکت جدید، تنها شخصیت حقوقی باقی مانده است، این حالت را در اصطلاح ترکیب می‌نامند. بنابر این یک سیستم حسابداری وجود دارد و یک مجموعه صورتهای مالی تهیه می‌شود.

در تمامی موارد بالا، مالکان یا سهامداران شرکت تحصیل شده ممکن است وجه نقد یا سهام عادی دریافت کنند. چنانچه وجه نقد دریافت شده باشد، مبادله از نوع خرید است، زیرا مالکیت خالص دارایی‌ها

شرکت های دیگر گروه ترکیبی را در اختیار داشته باشد.

۳- ترکیب واحدهای انتفاعی باید از طریق یک رویداد یگانه و براساس طرح مشخصی که حداکثر پس از یک سال از تاریخ تهیه آن اجرا شده است، انجام شده باشد.

۴- شرکت اصلی باید در مقابل تحصیل بخش عمده سهام عادی شرکت یا شرکت های فرعی، سهام عادی دارای حق رای خود را که حقوقی مشابه اکثریت سهام عادی منتشر شده آن دارد واگذار کند. مقصود از بخش عمده سهام عادی شرکت فرعی، دست کم ۹۰٪ سهام عادی است.

۵- هر یک از شرکت های ترکیب شونده باید عمدتاً حقوق مالی و حق رای خود را بر سهام عادی حفظ کند.

۶- هر یک از شرکت های ترکیب شونده می تواند سهام عادی دارای حق رای یکدیگر را مجدداً تحصیل کند مشروط بر این که هدف از این کار تاثیرگذاری بر ترکیب نباشد.

۷- نسبت حقوق هر یک از سهامداران عادی به حقوق سایر سهامداران یک شرکت ترکیب شونده نباید بر اثر ترکیب واحدهای انتفاعی تغییر نماید.

۸- حق رای سهامداران عادی در ترکیب واحدهای انتفاعی باید قابل اعمال باشد. به عبارت دیگر هیچ مکانیسمی را به منظور محروم کردن برخی از سهامداران از حق رای نمی توان به موقع اجرا گذاشت.

۹- در تاریخ شروع اجرای طرح ترکیب نباید شروطی نظیر انتشار اوراق بهادار جدید تعیین شود.

۱۰- شرکت اصلی نباید بطور مستقیم یا غیرمستقیم تمامی بخشی از سهام عادی منتشر شده به منظور ترکیب را بازخرد کند.

۱۱- شرکت اصلی نباید به منظور انتفاع سهامداران قبلی خود در ترتیبات مالی خاص وارد شود. نمونه ای از این گونه ترتیبات می تواند تضمین وام های دریافتی، توسط سهامی باشد که به منظور ترکیب واحدهای انتفاعی منتشر شود.

۱۲- شرکت اصلی نباید قصد واگذاری یا فروش بخش عمده ای از دارایی های شرکت های ترکیب شونده را طی دو سال بعد از تاریخ ترکیب داشته باشد، مگر این که واگذاری به منظور حذف تاسیسات تکراری یا ظرفیت اضافی باشد.

### آثار مالیاتی

عامل مالیات بردرآمد در ترکیب واحدهای انتفاعی نقش مهمی ایفا می کند که می تواند با توجه به قوانین مالیاتی هر کشور بر مشمول مالیات بودن یا نبودن رویداد ترکیب تاثیرگذارد. در ایران محاسبه مالیات بر درآمد براساس صورت های مالی مجزای هر یک از شخصیت های حقوقی وابسته محاسبه می شود.

ثبت تحصیل سهام به روش اتحاد منافع

چنانچه ترکیب شرکت اصلی و شرکت فرعی واجد شرایط کارگیری روش اتحاد منافع باشد، شرکت اصلی به تناسب درصد مالکیت خود، حساب سرمایه گذاری بلندمدت را به ازای خالص دارایی های شرکت فرعی بدهکار و حساب های سرمایه و مجموع سود انباشته و اندوخته را به تناسب مبالغ منعکس شده در حساب حقوق صاحبان سهام شرکت فرعی بستانکار می کند.

### ترازنامه تلفیقی

در روش اتحاد منافع هنگامی که تحصیل سهام عادی شرکت فرعی به میزان صد در صد انجام می شود، حساب سرمایه گذاری شرکت اصلی در شرکت فرعی به منظور تهیه ترازنامه تلفیقی، حذف و مبلغ ارزش دفتری دارایی ها و بدهی های شرکت فرعی به ترازنامه تلفیقی منتقل می شود.

زمانی که تحصیل سهام عادی شرکت فرعی به میزانی کمتر از صد در صد باشد (در روش اتحاد منافع، دست کم ۹۰ درصد سهام عادی شرکت فرعی در اختیار شرکت اصلی است) حساب سرمایه گذاری شرکت اصلی را می توان به دوروش تجزیه و در ترازنامه تلفیقی منعکس کرد.

در حالت اول، دارایی ها و بدهی های شرکت فرعی به میزان درصد مالکیت سهام عادی، در ترازنامه تلفیقی به مبلغ ارزش دفتری انعکاس می یابد. این گونه ارائه را «تلفیق نسبی» می نامند.

حالت دوم، «تلفیق کامل» نامیده می شود. در این روش صد در صد ارزش دفتری دارایی ها و بدهی های شرکت فرعی در ترازنامه تلفیقی منعکس می گردد، اما صد در صد مالکیت سهام متعلق به شرکت اصلی نمی باشد بلکه دست کم ۹۰ درصد آن (براساس شرط روش اتحاد منافع) در اختیار شرکت اصلی است. بنابر این آن بخش که متعلق به شرکت اصلی نمی باشد، با اضافه کردن یک حساب به ترازنامه تلفیقی به نام «حقوق سهامداران اقلیت» قابل انعکاس است. این حساب بطور معمول دارای مانده بستانکار می باشد و محل ارائه آن در ترازنامه تلفیقی بین بدهی ها و حقوق صاحبان سهام است.

### کاربرگ ترازنامه تلفیقی

در مواردی که ترازنامه شرکت های اصلی و فرعی شامل حساب های متعددی است، استفاده از کاربرگ برای تهیه ترازنامه تلفیقی مناسب خواهد بود. در کاربرگ ترازنامه تلفیقی حساب هایی حذف یا ایجاد می شوند که به شرح زیر است:

۱- حساب سهام عادی و حساب سود انباشته و اندوخته های شرکت فرعی حذف می شوند.

۲- حساب سرمایه گذاری شرکت اصلی حذف می گردد.

۳- حساب حقوق سهامداران اقلیت برای انعکاس ادعای آنان بر خالص دارایی های شرکت فرعی ایجاد می شود.

۴- حذف آثار رویدادهای مالی و معاملاتی که بین شرکت های اصلی و فرعی انجام می گیرد، مانند

فروش کالاتوسط شرکت فرعی به شرکت اصلی یا بالعکس.  
باید توجه داشت، عملیاتی که در کاربرد انجام می‌شود در دفاتر شرکت اصلی یا فرعی ثبت نمی‌شود.

### صورت تلفیقی سود و زیان

پس از طی یک دوره عملیات شرکت فرعی، در صورت تلفیقی سود و زیان، درآمدها و هزینه‌های شرکت‌های اصلی و فرعی، پس از حذف حساب‌های منتج از رویدادها و معاملات فی‌مابین، با یکدیگر ترکیب می‌شوند. در فرآیند ترکیب، سهم سهامداران اقلیت از سود خالص ترکیبی (پس از حذف معاملات فی‌مابین) کسر می‌شود. مازاد سودهایی که به این ترتیب محاسبه می‌گردد، به سهامدار اکثریت یعنی شرکت اصلی تعلق می‌گیرد و سود خالص تلفیقی نامیده می‌شود.

### صورت تلفیقی سود (زیان) انباشته

صورت تلفیقی سود (زیان) انباشته نیز نشان می‌دهد که چگونه سود (زیان) انباشته تلفیقی اول دوره به ازای مبلغ سودخالص تلفیقی افزایش، و به ازای توزیع سود سهام توسط شرکت اصلی کاهش می‌یابد. جمع جبری مبالغ مذکور، مانده سود انباشته تلفیقی در آخر دوره مالی خواهد بود.

بهای تمام شده شرکت تحصیل شده به روش خرید در روش خرید حساب سرمایه‌گذاری به بهای تمام شده ثبت می‌گردد. بهای تمام شده نیز برحسب ارزش متعارف مابه ازای دارایی واگذار شده یا دریافتی، هر کدام عینی‌تر قابل اندازه‌گیری باشد، تعیین می‌شود. در بهای تمام شده سرمایه‌گذاری، تنها اقلام مستقیم بهای تمام شده منظور می‌گردد. اقلام غیر مستقیم و هزینه‌های مرتبط با تحصیل، هنگام تحقق به هزینه دوره منظور می‌شود.

### تخصیص بهای تمام شده

در تهیه صورت‌های مالی تلفیقی (به روش خرید)، بخشی از مابه‌التفاوت بهای تمام شده تحصیل و حقوق شرکت اصلی نسبت به ارزش دفتری خالص دارایی‌های شرکت فرعی، بر مبنای ارزش‌های متعارف به دارایی‌ها و بدهی‌های شرکت فرعی تخصیص و هرگونه مازاد به حساب سرفقلمی تخصیص می‌یابد. فرآیند تخصیص در سه حالت قابل بررسی است:

حالت اول- در این حالت صد در صد سهام شرکت فرعی تحصیل شده است و ارزش تخصیص یافته به هر یک از دارایی‌ها و بدهی‌های شرکت فرعی، مساوی ارزش متعارف مربوط می‌باشد. هنگامی که قیمت خرید بیش از ارزش متعارف خالص دارایی‌های شرکت فرعی باشد، مازاد آن به حساب سرفقلمی تخصیص می‌یابد.

حالت دوم - در این حالت سهام تحصیل شده کمتر از

صد در صد سهام شرکت فرعی است. به منظور تخصیص بهای تمام شده خرید، دو روش وجود دارد که بر تئوری شخصیت‌حسابداری و تئوری شرکت اصلی مبتنی می‌باشد. در تئوری شخصیت‌حسابداری، تمامی مابه‌التفاوت بین ارزش‌های متعارف و ارزش‌های دفتری در صورت‌های مالی تلفیقی انعکاس می‌یابد و موجب می‌شود که حقوق سهامداران اقلیت به ارزش‌های متعارف نشان داده شود. اما در تئوری شرکت اصلی، تنها سهم شرکت اصلی از مابه‌التفاوت ارزش‌های متعارف و ارزش‌های دفتری دارایی‌های شرکت فرعی در صورت‌های مالی تلفیقی منعکس می‌شود. در این روش مبنای محاسبه حقوق سهامداران اقلیت ارزش دفتری دارایی‌های شرکت فرعی می‌باشد.

حالت سوم - در برخی موارد، قیمت خرید پرداختی توسط شرکت اصلی کمتر از سهم متناسب آن از ارزش متعارف خالص دارایی‌های شرکت فرعی است. بنابر این مازاد مبلغ بستانکاری از تفاوت مبلغ پرداختی و ارزش متعارف بوجود می‌آید. بر اساس استانداردهای حسابداری، لازم است ارزش‌های متعارف دارایی‌های غیرجاری، به جز اوراق بهادار بلندمدت، به نسبت کاهش یابد. در مواردی که مازاد ارزش‌های متعارف نسبت به قیمت خرید قابل توجه است، امکان دارد که ارزش دارایی‌های غیرجاری (به جز اوراق بهادار بلندمدت) به صفر تقلیل یابد اما باز هم مازاد بستانکار باقی بماند. در این گونه موارد، مبلغ باقی مانده مازاد بستانکار به عنوان درآمد انتقالی به دوره‌های آتی طبقه‌بندی و طی مدتی معقول در آینده مستهلک و به درآمد دوره منظور می‌شود.

### خریدهای میان دوره‌ای سهام

در ترکیب واحدهای انتفاعی که به روش خرید ثبت می‌شود، تحصیل سهام در خلال دوره مالی نیازمند بکارگیری یک روش خاص حسابداری است زیرا تنها سود کسب شده بعد از تاریخ تحصیل را می‌توان در سود تلفیقی و سود محاسبه شده در روش ارزش ویژه منظور کرد. از لحاظ احتساب درآمد فروش و هزینه شرکت فرعی در سال تحصیل، دو نقطه نظر متفاوت وجود دارد:

نقطه نظر اول، این است که تنها درآمد فروش و هزینه شرکت فرعی پس از تاریخ تحصیل، در صورت تلفیقی سود و زیان منظور شود.

نقطه نظر دوم، این است که کل درآمد فروش و هزینه شرکت فرعی در سال تحصیل، در صورت تلفیقی سود و زیان منعکس و سود شرکت فرعی در دوره قبل از تحصیل، به عنوان یک هزینه اضافی از آن کسر گردد. این هزینه، در حذف‌های کاربرد تلفیقی ایجاد و «خرید سود قبل از تحصیل» نامیده می‌شود.

هر دو روش بالا، در بیانیه‌های رسمی حسابداری مورد تأیید قرار گرفته است. اما، به دلیل مفیدتر بودن اطلاعات ارائه شده در روش دوم، به نظر می‌رسد بکارگیری آن مناسب‌تر باشد.

صورت تلفیقي گردش وجوه نقد

اطلاعات صورت گردش وجوه نقد تحت سه سرفصل فعالیت‌های مرتبط با عملیات، فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های مالی طبقه‌بندی و ارائه می‌شود. ارائه اطلاعات تفصیلی وجوه نقد حاصل از فعالیت‌های مرتبط با عملیات به روش مستقیم و با تفکیک دریافت‌ها و پرداخت‌های نقدي توصیه شده است. اما روش دیگر این است که وجوه نقد حاصل از فعالیت‌های مرتبط با عملیات به روش غیرمستقیم با تعدیل سودخالص به ازای اقلام غیرنقدي، محاسبه و گزارش شود.

در مواردی که صورت تلفیقي گردش وجوه نقد تهیه می‌شود، در تعدیل و تعدیل سود خالص به خالص وجوه نقد حاصل از فعالیت‌های مرتبط با عملیات، لازم است سهم اقلیت از سود شرکت فرعی به سود خالص تلفیقي اضافه گردد. چنانچه شرکت فرعی در خلال دوره مالی جاری تحصیل شده باشد، تغییرات حساب‌های دریافتی، موجودی‌ها، حساب‌های پرداختی و نظایر آن که در تعدیل سود خالص موثر است، اما از تحصیل شرکت فرعی ناشی شده‌اند باید ملحوظ و از حساب‌ها خارج شوند. به بیان دیگر، تنها تغییراتی که از فعالیت سرمایه‌گذاری تحصیل سهام شرکت فرعی ناشی نشده‌اند، در تعدیل سود خالص تلفیقي مد نظر قرار می‌گیرند.

نظر به اینکه تحصیل شرکت فرعی، فعالیت سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود، قیمت خرید (پس از کسر موجودی نقد شرکت فرعی) آن موجب خروج وجه نقد به دلیل سرمایه‌گذاری است. چنانچه خرید سهام شرکت فرعی، از طریق انتشار اوراق قرضه یا سهام جدید شرکت اصلی تامین مالی شده باشد، وجوه نقد حاصل، تحت عنوان ورود وجه نقد به دلیل فعالیت تامین مالی طبقه‌بندی می‌شود. سود سهام پرداختی به سهامداران اقلیت نیز به عنوان خروج وجه نقد به دلیل فعالیت تامین مالی گزارش می‌گردد.

### حسابداری مشارکت های خاص

لازم است مواردی که واحد سرمایه‌پذیر لزوماً به صورت شرکت سهامی نیست، نیز مورد توجه قرار گیرد. این گونه واحدهای سرمایه‌پذیر، با عنوان مشارکت‌های خاص مورد توجه قرار می‌گیرند. مشارکت خاص عبارت از شخصیت حسابداری است که در تملک و تحت مدیریت گروه کوچکی از سرمایه‌گذاران قرار دارد. هر یک از سرمایه‌گذاران گروه معمولاً نقشی فعال در اداره امور مشارکت خاص ایفا می‌کند و نمی‌توان هیچ یک از آنان را به عنوان تنها فرد کنترل کننده به شمار آورد. مشارکت‌های خاص به عنوان وسیله‌ای عملی و آسان برای ورود به بازارهای بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرد. مشارکت‌های خاص ممکن است تحت هر یک از اشکال قانونی زیر انجام شود:

- ۱- شرکت‌های سهامی
- ۲- شرکت‌های تضامنی
- ۳- شرکت‌های مختلط

### ۴- حقوق مشاع

بر اساس اصول متداول حسابداری، استفاده از روش ارزش‌ویژه در اشکال قانونی مشارکت خاص توصیه شده است.

### خرید اهرمی

در برخی موارد، شرکت سرمایه‌گذار، تمامی سهام عادی یک واحد انتفاعی موجود و در حال فعالیت را تحصیل می‌کند. برای سهولت بحث، شرکت سرمایه‌گذار را شرکت جدید و شرکت در حال عملیات را شرکت قدیم می‌نامیم. پس از تحصیل شرکت قدیم به شرکت جدید واگذار می‌شود. در این گونه موارد، بخش اعظم سرمایه شرکت جدید نوعی بدهی است و از این رو، خرید اهرمی (۶) نامیده می‌شود. سرمایه اندک شرکت جدید نیز توسط گروه کوچکی از سهامداران قبلی شرکت قدیم که معمولاً مدیران آن بوده‌اند تامین می‌گردد. در برخی موارد ممکن است سرمایه‌گذاران ثالث نیز بخشی از سرمایه شرکت جدید را تامین کنند. مساله حسابداری مطروحه در خریدهای اهرمی، تعیین مبنای حسابداری برای خالص دارایی‌های شرکت قدیم است که توسط شرکت جدید دریافت شده است. مبنای حسابداری انتخاب شده، به حقوق‌مازاد سهامداران سابق شرکت قدیم که فعلاً سهامدار شرکت جدید شده‌اند و جزو گروه کنترل کننده آن محسوب می‌شوند بستگی دارد. تعیین حقوق مازاد سهامدارانی که به مالکیت خود به عنوان سهامدار ادامه می‌دهند و همچنین، سهامدارانی که جزو گروه کنترل کننده شرکت جدید نیز محسوب می‌شوند می‌تواند بسیار پیچیده باشد.

### صورت‌های مالی ترکیبی

صورت‌های مالی ترکیبی، دو یا چند واحد انتفاعی را که مالکیت یا مدیریت مشترک دارند به عنوان یک شخصیت حسابداری یگانه گزارش می‌کند. در این مورد، برخلاف صورت‌های مالی تلفیقي، یکی از واحدها، واحد یا واحدهای دیگر را کنترل نمی‌کند. بلکه ممکن است یک سرمایه‌گذار مالک چند واحد انتفاعی باشد و در عین حال تمایل داشته باشد که امور تمامی واحدها را به عنوان یک شخصیت حسابداری یگانه گزارش نماید. در چنین وضعیتی، تهیه صورت‌های مالی ترکیبی ضرورت دارد. تهیه صورت‌های مالی ترکیبی مشابه تهیه صورت‌های مالی تلفیقي است. مانده حساب‌های مجزای واحدهای انتفاعی با یکدیگر جمع و آثار مبادلات بین واحدها نیز حذف می‌شود. اما، نظر به این که در این گونه موارد، رابطه اصلی و فرعی وجود ندارد، جمع کردن ساده مانده حساب‌ها به احتساب تکراری خالص دارایی‌ها، سود یا سود سهام منجر نمی‌گردد. بنابراین حذف‌های استاندارد کاربرگ‌های صورت‌های مالی تلفیقي در صورت‌های مالی ترکیبی مورد ندارد.



سودهای تحقق نیافته مربوط به نقل و انتقال موجودی کالا

در فرآیند تهیه صورت‌های مالی تلفیقی، دو نوع حذف انجام می‌شود. اولین نوع آن حذف تمامی فروش‌ها و خریدهای انجام شده بین شرکت‌های وابسته از بخش صورت‌سود و زیان کاربرد تلفیقی است. نوع دوم حذف، مربوط به حذف سودهای حاصل از فروش کالا به شرکت‌های وابسته در مواردی است که کالا به واحدهای انتفاعی غیروابسته فروخته نشده و موجود است. سودهای مربوط به مبادلات بین واحدهای وابسته مادام که کالاهای مربوط (به شکل اولیه یا تغییر یافته) به شرکت‌های غیروابسته فروخته نشده است تحقق نیافته محسوب می‌شود.

معیاری که به منظور تعیین مبلغ سود تحقق نیافته مورد قبول می‌باشد عبارت است از سود ناخالص شرکت وابسته فروشنده کالا که باید در صورت‌های مالی تلفیقی حذف شود. این مبلغ از حاصل ضرب نسبت سود ناخالص شرکت فروشنده و مبلغ درآمد فروش بدست می‌آید. پس از تعیین سود

تحقق نیافته لازم است این مبلغ به سهامدار اکثریت (شرکت اصلی) و سهامداران اقلیت تخصیص یابد. دو روش مجاز در اصول پذیرفته شده حسابداری برای تخصیص سود تحقق نیافته به شرح زیر وجود دارد:

۱- تخصیص متناسب: در این روش، سود حذف شده به نسبت مالکیت به سهامداران اکثریت و اقلیت تخصیص می‌یابد.

۲- تخصیص صد در صد: در این روش، سود حذف شده کلاً به سهامدار اکثریت یعنی شرکت اصلی تخصیص می‌یابد.

سودهای تحقق نیافته مربوط به نقل و انتقال سایر دارایی‌ها در برخی موارد، شرکت‌های گروه ممکن است اموال و ماشین‌آلاتی را با یکدیگر مبادله کنند. این قبیل مبادلات همانند فروش کالا می‌تواند به سود تحقق نیافته منجر شود.

سودهای تحقق نیافته موجود در آخر دوره مالی، در صورت‌های مالی تلفیقی جاری، به دوره‌های آتی انتقال می‌یابد و در دوره‌های بعد، هم زمان با تحقق آن شناسایی می‌گردد. در این قبیل موارد، فرض می‌شود که مبلغ سود

تحقق نیافته‌ای که در یک دوره مالی تحقق می‌یابد مساوی با هزینه استهلاک اضافی ثبت شده توسط واحد خریدار می‌باشد که به دلیل نقل و انتقال دارایی ایجاد شده است.

### فروش زمین و خدمات به شرکت‌های گروه

به جز دارایی‌های استهلاک‌پذیر، دارایی‌های دیگری نظیر زمین که استهلاک ناپذیر هستند، می‌تواند بین شرکت‌های گروه، مبادله و موجد سود تحقق نیافته شود. این سودهای تحقق نیافته نیز براساس اصول کلی مطروحه قبل باید حذف گردند: (۱) سود تحقق نیافته تا زمان مصرف دارایی (از راه فروش به شرکت خارج از گروه یا استفاده) به دوره‌های آتی انتقال می‌یابد (۲) ارزش دارایی تحصیل شده بر مبنای

بهای تمام شده آن برای شرکت فروشنده تعدیل می‌شود.

شرکت‌های گروه ممکن است خدماتی را برای یکدیگر انجام دهند. در برخی موارد، بهای تمام شده خدمات، توسط شرکت خریدار عضو گروه سرمایه‌ای محسوب و جزء دارایی‌ها منظور می‌شود. برای مثال، شرکت اصلی ممکن است خدمات مشاوره‌ای به شرکت فرعی ارائه دهد که در دارایی‌های نامشهود منظور می‌شود. از آنجا که دارایی‌های نامشهود نیز مستهلک می‌شوند لذا تکنیک‌های کاربرد تلفیقی مشابه تکنیک‌های بکار گرفته شده در مورد انتقال دارایی‌های استهلاک‌پذیر می‌باشد. از سوی دیگر، بسیاری از خدمات انتقالی ممکن است توسط شرکت خریدار به هزینه دوره مالی منظور شود.

### اوراق قرضه

تملك اوراق قرضه بین شرکت‌ها هنگامی رخ می‌دهد که یکی از شرکت‌های عضو گروه، اوراق قرضه شرکت دیگر عضو گروه را از یک شخصیت خارج از گروه خریداری کند. در صورت‌های مالی تلفیقی، سود یا زیان مبادله اوراق قرضه شناسایی و ثبت می‌شود. اما سرمایه‌گذاری در اوراق قرضه و بدهی اوراق قرضه بین شرکت‌های عضو گروه در صورت‌های مالی تلفیقی حذف می‌گردد. لازم به تأکید است که از لحاظ قانونی، اوراق قرضه مبادله شده، انتشار یافته

باقی می‌ماند و شرکت صادر کننده آن که عضو گروه است به پرداخت سود و مستهلک کردن کسر یا صرف مربوط ادامه می‌دهد. شرکت دیگر عضو گروه که خریدار اوراق قرضه است نیز به دریافت سود و مستهلک کردن کسر یا صرف مربوط ادامه می‌دهد. سود یا زیان حاصل از مبادله اوراق قرضه بین شرکت‌های گروه، مساوی جمع جبری کسر یا صرف مستهلک نشده در دفاتر شرکت‌های گروه در تاریخ مبادله است. در این حاصل جمع جبری، علامت مانده ارقام بدهکار، مثبت و علامت مانده ارقام بستانکار، منفی است.

در مواردی که سهامداران اقلیت در شرکت فرعی وجود دارند لازم است سود یا زیان ناشی از اوراق قرضه بین شرکت‌ها، میان سهامدار اکثریت و سهامداران اقلیت تسهیم شود. در این تسهیم سه اصل کلی بکار گرفته می‌شود. اصل اول این است که جمع سود یا زیانی که باید تسهیم شود مساوی جمع جبری صرف یا کسر مستهلک نشده در دفاتر شرکت‌های عضو گروه در تاریخ تحصیل اوراق قرضه باشد. اصل دوم این است که چنانچه شرکت اصلی درگیر مبادله اوراق قرضه بین شرکت‌های عضو شود، سهم آن از سود یا زیان ناشی از مبادله این اوراق، مساوی جمع جبری کسر یا صرف مستهلک نشده در تاریخ تحصیل و حاصل ضرب درصد مالکیت و کسر یا صرف مستهلک نشده شرکت فرعی در تاریخ تحصیل می‌باشد. اصل سوم، مربوط به مواردی است که دو شرکت فرعی به مبادله اوراق قرضه بین شرکت‌ها اقدام کنند. در این گونه موارد، سهم

شرکت اصلی از سود یا زیان حاصل از مبادله اوراق قرضه عبارت است از حاصل ضرب درصد مالکیت در شرکت فرعی اول و کسر یا صرف مستهک نشده در تاریخ تحصیل، به علاوه حاصل ضرب درصد مالکیت در شرکت فرعی دوم و کسر یا صرف مستهک نشده آن در تاریخ تحصیل. باید توجه داشت که روش‌های حسابداری مربوط به تحصیل اوراق قرضه بین شرکت‌ها با مفهوم تخصیص متناسب نیز هماهنگی دارد.

### سهام ممتاز

در مواردی که شرکت فرعی سهام ممتاز منتشر کرده باشد، حتی اگر شرکت اصلی هیچ یک از این سهام ممتاز را تحصیل نکرده باشد، اولویت‌های سهام ممتاز مستلزم این است که بخشی از سود انباشته یا سود خالص شرکت فرعی به سهامداران ممتاز تخصیص یابد. چنانچه شرکت اصلی بخشی از سهام ممتاز را در اختیار داشته باشد، سرمایه‌گذاری آن به روش بهای تمام شده ثبت می‌شود و باید در صورت‌های مالی تلفیقی حذف گردد.

تخصیص سود خالص و سود انباشته شرکت فرعی به سهامداران ممتاز و عادی به ویژگی‌های سهام ممتاز بستگی دارد. سهام ممتاز از نظر دریافت سود سهام همواره بر سهام عادی اولویت دارد. علاوه بر این، سهام ممتاز ممکن است مشمول انباشت سود سهام باشد و یا در بخشی از سود یا کل سود سهامداران عادی مشارکت داشته باشد.

### کنترل به شکل غیرمستقیم

در برخی موارد، شرکت اصلی، یک شرکت فرعی را تحت کنترل دارد و این شرکت نیز به نوبه خود شرکت فرعی دیگری را کنترل می‌کند. در این حالت، در تهیه کاربرد تلفیقی، تعداد ثبت‌های حذفی کاربرد افزایش می‌یابد. فرض کنید که شرکت (الف) شرکت (ب) را کنترل و شرکت (ب) نیز شرکت (ج) را کنترل می‌کند. در مرحله اول، ثبت‌ها را می‌توان طوری انجام داد که بنابه فرض، تنها شرکت (ب)

صورت‌های مالی شرکت (ج) را تلفیق نماید. در مرحله دوم، ثبت‌ها به ترتیبی انجام می‌شود که شرکت (الف) صورت‌های مالی شرکت (ب) را با صورت‌های مالی خود تلفیق نماید.

محاسبه سود خالص تلفیقی، در مواردی که وابستگی چند سطحی وجود دارد نیز به طور بنیادی تغییر نمی‌یابد. با فرض تخصیص متناسب، سود خالص از سرمایه‌گذاری در شرکت فرعی، با استفاده از سود خالص تحقق یافته (به روش ارزش ویژه) دوره مالی محاسبه می‌شود.

### مالکیت متقابل

در برخی موارد ممکن است سرمایه‌گذاری در سهام عادی متقابل باشد، یعنی دو یا چند شرکت از شرکت‌های گروه، از طریق مالکیت دو طرفه سهام با یکدیگر مرتبط باشند. موضوع اصلی در این گونه موارد تخصیص سود ترکیبی و سودهای انباشته بین سهامداران اکثریت و اقلیت است. در روش سنتی تخصیص، ابتدا سود خالص مبتنی بر ارزش ویژه تمامی شرکت‌های گروه از طریق حل معادلات چند مجهولی محاسبه می‌شود. سود خالص تلفیقی نیز برابر است با حاصل ضرب سود خالص مبتنی بر ارزش ویژه شرکت اصلی در درصد سهام شرکت اصلی که متعلق به شرکت‌های وابسته نمی‌باشد (سهامداران خارج از گروه). در روش دیگر برای تخصیص سود ترکیبی، فرض می‌شود که سرمایه‌گذاری شرکت فرعی در سهام شرکت اصلی، از لحاظ محتوا همانند خرید سهام خزانه توسط شرکت اصلی است. در این روش فرض بر این است که شرکت فرعی به نمایندگی از طرف شرکت اصلی عمل می‌کند و حسابداری سرمایه‌گذاری در سهام شرکت اصلی باید همانند تحصیل سهام خزانه توسط شرکت اصلی انجام پذیرد.

- ۱- این کتاب توسط دفتر مطالعات مالی و حسابداری مدیریت و بنیاد آقای دکتر رضا شباهنگ تلخیص شده است.
- ۲- سهام عادی یک شرکت، معرف حق مالی دارندگان آن سهام نسبت به دارایی‌های خالص آن شرکت است.
- ۳- فزونی ارزش یک مجموعه نسبت به مجموع ارزش اجزای متشکله آن، با اصطلاح هم افزایی توصیف شده است.

Purchase method 4

-Pooling of interest method 5

Leveraged buyout -6